

مزار خوشنویسان نامی نام‌نشان ندارد

هزارستان بی‌مزار

انجمن خوشنویسان ایران، شهرداری و سازمان فرهنگی به وضعیت آرامگاه خوشنویسان نامی در تهران رسیدگی نمی‌کند



میرزا غلامرضا اصفهانی



میرزا غلامرضا اصفهانی

۱۲۸۶ به تهران چشم‌باز کرد. حسین و برادرش سیدحسن از کودکی در کلاس پدرشان سیدمرتضی برغانی، که از شاگردان میرزا رضا کلهر بود آموخته‌اند. حسین قلم را میان انگشت سبابه و شست می‌گذاشت. خطش اصول کلهر را داشت با طعمی دیگر. سرهنگ ارتش بود. پس از پایان دوره سربازی استخدام شد و فرامین ارتش را کتابت می‌کرد.

پیش از او قرآن را به نسخ می‌نوشتند اما او از نخستین خوشنویسان است که قرآن را به نستعلیق نوشت. یکی در سال ۲۸ و یکی ۴۰. دخترش شرف‌السادات میرخانی در گفت‌وگویی نقل کرده که بعد از درگذشت پدر از شعر گفتن و کمانچه نواختن تعریف کرده بود که «استاد شجریان مطلب را خوانده بود. ایشان بر سرم داد زد و گفت خواهش می‌کنم شعر گفتن پدرتان را با کمانچه‌نوازی‌شان یکسان فرض نکنید؛ ما کسی را نداریم نظیر ایشان کمانچه بزنند. دایم می‌گفت «کمانچه یعنی آنچه استاد میرخانی می‌نواخته و بس.»

حسین میرخانی که در مکتب باقرخان رامشگر و شاگردی حسین‌خان اسمعیل‌زاده و رضا محجوبی کمانچه آموخته بود کرشمه را بیشتر در قلم ریخت و بر کاغذ نوشت. ۲۵ سال در انجمن خوشنویسان خوشنویسی درس داد. سال اول چهار نفر در کلاس نشستند و سرمشق گرفتند. بین سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۶ کسان بسیاری از او درس گرفتند. غلامحسین امیرخانی، کیخسرو خروش، فتحعلی واشقانی، رضا مافی و محمدحسین عطارچیان هنرمندان مشهوری شدند. مزار این معلم همچون عمادالکتاب مهجور است. در تصویری که از سنگ قبر اول این هنرمند موجود است بر سنگی به سفیدی کاغذ با رنگی به سیاهی مرکب نوشته بودند: این‌جا استاد سیدحسین میرخانی خداوند عشق و هنر آرمیده است. ۱۳۶۱-۱۲۸۶. سنگ امروز مزار سیاه است شبیه همه سنگ‌های کف حیاط و همه نام‌ها به یک خط نوشته شده.

میرزا غلامرضا اصفهانی

از مسجد فیروزآبادی تا صفایه هم می‌شود آهسته آهسته رفت تا محضر غلامرضا اصفهانی که شوریده بود و پهلوان خوش‌نویسان. سیدحسین‌ها، کتیبه مدرسه سپهسالار، شکسته غبار، چرخش پر غمزه حروف، دایره‌های کوچک «ی»، بلندی «م»، الف‌های کوتاه و حروف کوچکی که به جای خود می‌نشستند در شلوغی سیاه‌مشق. تناسب سفیدی و سیاهی و ترکیب نوشته و آثار شکسته نستعلیقش که آواز می‌خواندند و در آخر آن امضای «یاعلی مدد است» و فقیر غلامرضا هم. اینها آواز میرزا را تا هند و چین رساند اما امروز نه در شهری که در خیلی از مکان‌ها و زمان‌ها نام او ناشناخته و غریب است. می‌گویند او در نمایانگاه مانگ جو پکن استاد سانگ خوشنویس چنان تحت تأثیر استاد میرزا قرار گرفته بود که بسیار طولانی گریست و به احترام با قلم موی درشتش نامش را نوشت.

میرزا هم مثل عمادالکتاب حبس را تجربه کرد. «قدرت و تسلطش در دو خط نستعلیق و شکسته و همچنین محبوبیتش نزد شاه باعث شد که مورد حسادت تنگ‌نظران قرار گرفته و به او تهمت زنند. حتی گفته شده که به اعدام نیز محکوم گردید، اما با وساطت برخی از شاهزادگان و خصوصاً «دوست محمدخان معیر الممالک» از صاحب نفوذان دربار که میرزا سال‌ها در منزل او سکونت داشته و به تعلیم فرزندانش پرداخته بود از بند و حبس رهایی پیدا کرد.» پس از آزادی با قلم شش‌دانگ کتیبه به زر و بر بوم سیاه «داد علی‌مظهر العجایب» را نوشت. میرزا در فقر تنگدستی زندگی کرد و مرگ فرزند سه‌ساله‌اش غمی بر غم‌هایش افزود که یک‌سال بعد از آن در ۱۳۰۴ قمری خوشنویس شوییده به مرض دق جان داد.

همه این یادها از این رو گفته شد که بدانیم فقط در محدوده این‌بابویه و امامزاده عبدالله شهرری سه خوشنویس نامی خفته‌اند که مزاری در حوض دربارند و آثار از فهرست میراث فرهنگی بیرون افتاده‌اند. بماند شرح خوشنویسانی که نشانی ندارند.

بعد از اخبار و گلاب‌های پراکنده‌ای که در سال‌های گذشته از وضع آرامگاه هنرمندان خوشنویس منتشر شد و تصویری که از زباله‌های کنار قبر عمادالکتاب دیده شد، غلامحسین امیرخانی، رئیس انجمن خوشنویسان ایران در تابستان ۹۵ به مهر گفت: «بله این حقیقت دارد که قبر عمادالکتاب خرابه شده و حتی مقبره استاد کلهر که ۵۰ سال قبل‌تر از او بوده نیز در میدان حسن آباد تقریباً محو شده و قبر استادی مانند میرعماد که شهره دوره صفویه است در گوشه دیوار یک آرامگاه هنرمندان است و... اما باید یک فکر بنیادین کرد و انجمن خوشنویسان برنامه‌ای با میراث فرهنگی بریزد و جلسات کارشناسی برگزار شود و ما کمک فکری بهمیم تا کار به نتیجه برسد.»

امروز که نیمه‌زمستان ۹۶ است کار به نتیجه نرسیده و عمادالکتاب در گوشه گورستان امامزاده عبدالله است و هر روز چند نفر بر سنگ مزار سیدحسین میرخانی می‌گذرانند.

«خدا یا اینکه بیش از همه مرا آذین کرده و جگرم را سوزانیدند و دلم را خون کردند. خودت ترحمی فرما وای منتقم حقیقی انتقام ما را بگیر. والسلام. نوزدهم محرم سال ۱۳۷۷ بعد الفقیه محمدحسین عمادالکتاب غفر ذنوبه.»

محروم بود. «بنده (که شانزده‌سال مرحله‌از مراحل زندگانی را پیموده‌بودم) در اولین شهر روسیه (بادکوبه) از فوت پدر بی‌خبر و گرفتار خدمات طاق‌فرسای شخصی تاجری از اهالی شیروان بودم و بی‌گانه در فراق پدر و مادر اشک حسرت می‌سودم و بدین منوال تا یک‌سال مالوف بازگشت کرده، از مرگ پدر آگاه و پس از چندروز پیاده با قافله بی‌زاد و راحله عازم عتبات عالیات شدم و در کاظمین سه‌سال رحل اقامت افکنده و امرار معاش خود را به وسیله‌ی تخریر در کمال عسرت می‌گذراندم و استطاعت رفتن به کربلا نداشتم.»

سرتاجم وسایل حرکت فراهم و همراهِ مرحوم آقا سیدمحمدباقر حجه‌الاسلام رهسپار کربلا شد. «پنج‌سال مجاورت اختیار و در منتهای اعصار امرار حیات کردم، در این مدت که اوان جوانی و عنفوان شباب زندگانی من بود، غالباً مشغول تحصیل و پیوسته یک ذائقه مفرطی به کسب خطوط مختلفه داشتم.»

سال ۱۲۹۴ عضو انجمنی مخفی شد به نام «کمیته مجازات». انجمن را میرزا ابراهیم‌خان منشی‌زاده و اسدالله خان ابوالفتح‌زاده در تهران شکل داده بودند با هدف از بین بردن هواداران انگلیس در ایران. مأموریت نوشتن شب‌نامه‌ها با عمادالکتاب بود. با خیانت یکی از اعضا، کمیته از هم پاشید و سرانیش را دستگیر و اعدام کردند. عمادالکتاب به پنج‌سال زندان محکوم شد. سال ۱۳۰۰ با توصیه ادوارد براون، این‌شناس

زنی که با کودکش از سر این‌خانه می‌گذرد صاحبخانه را نمی‌شناسد. سیدحسین میرخانی یا جلال آل‌احمد همسایه است. جلال در سالن بزرگی زیر فرش نمازخانه خوابیده و سیدحسین بیرون در ورودی سنان.

خوشنویسی انجام شده و ترک‌ها هم هر سال نمایشگاه می‌گذارند. اگر در این‌زمینه نتوانیم به‌درستی عمل کنیم، خوشنویسی هم مثل قضاوی مولانا و فردوسی می‌شود که دیگران آنها را متعلق به خودشان می‌دانند.»

انجمن خوشنویسان آن قدر زورش زیاد نیست که بتواند به وضع آن‌جا به‌تنهایی رسیدگی کند. شهرداری هم گویا به‌دلیل مشغله‌هایی که دارد، به آرامگاه این خوشنویس بزرگ بی‌توجه شده و به آن رسیدگی نمی‌کند.

افجهای می‌توانند ساعت‌ها از سیاه‌مشق‌های بی‌نظیر و ترکیب‌بندی در خط عمادالکتاب بگویند. سیمان دور قبر کنده شده و حالا که زمستان است سبزه‌های هم بر آن روییده. «دیدنی آخر چسبان رفت ز دار جهان، عماد سیفی که بود مرد هنرمند و راد، داشت خطی خویتر ز خط و خال بتان، بخوش خطان جهان بود مهین استاد/ عمرش هفتاد و پنج در این سرای سپنج، دید بسی درد و رنج ندید روی مراد.»

رضا خوشنویس را در هزارستان به یاد بیاورید. قلم سبزه پخته را می‌تراشید و قط می‌زد. قلم در دوات می‌برد. قلم بر کاغذ می‌کشید و می‌نوشت و ناگهان صدای گلوله و چند قطره خون و نوای مرتضی‌حنا که داستان را ادامه می‌داد. می‌گویند شخصیت رضا خوشنویس تا حدودی برگرفته از عمادالکتاب بوده.

«فرزند ارشد شخصی هستم که در وقت نزع روان از تمام علائق و رنگ‌بویو داشته‌های جهان محروم و خوشبختانه دارای یک دینار نبوده و به همین جهت دو پسر و یک دختر خود را به خدای متعال می‌سپارد و به درود زندگی کرده، با کمال شرافت و پاکدامنی از این‌نشان می‌رود و فقط آرزوی دیدار آخرین مرا به زیر خاک می‌برد.»

پدرش محمد در زمان مرگ از دیدار فرزند

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

او با این جزوه ادای دین می‌کرد به درس و شیوه خوشنویسی استادان قدیمی چون کلهر. این آموزش‌ها به آیندگان هم رسید. کسان‌ی چون نصراله افجه‌ای که اهمیت عمادالکتاب را درک کرده و نگران وضع آرامگاه اوست. افجه‌ای پیش از این گلابه کرده از سازمان میراث فرهنگی و شهرداری شهرری که قدر حضور این مقبره را نمی‌دانند. «عمادالکتاب از نظر تاریخی برای خوشنویسی ایران اهمیت زیادی دارد. وضع

میراث دار خوبی نبوده‌ایم

موسیقی و هنرهایی از این دست گستره‌ای بین‌المللی برای مواجهه با مخاطبان دارند اما خوشنویسی اینطور نیست و دایره کوچکی را شامل می‌شود. به همین دلیل نیازمند تبلیغات و شناساندن آن به مردمی که در این بخش هم مزار بزرگان به کار می‌آید. چنانچه بزرگان عرصه خوشنویسی که دارای احترام و مقبولیت‌اند، مزار درخور و مناسبی داشته باشند، میتوان مراسم بزرگداشتشان را آنجا برگزار کرد و شاهد اتفاقات هنری در آن مراسم باشیم.

به این ترتیب یک بخش از ساخت مزار و سنگ قبر مناسب، احترام به این افراد و بخش دیگر شکر دادن به رویدادهای هنری در این مکان‌هاست که میتواند محل تولد بسیاری از هنرمندان باشد.

اما اینکه چرا انجمن خوشنویسان یا هر مرکز دیگری تاکنون در این راستا گامی برنداشته، اطلاعی ندارم و شاید باید کمیته‌ای با مشارکت میراث‌فرهنگی، سازمان فرهنگی هنری شهرداری،

موسیقی و هنرهایی از این دست گستره‌ای بین‌المللی برای مواجهه با مخاطبان دارند اما خوشنویسی اینطور نیست و دایره کوچکی را شامل می‌شود. به همین دلیل نیازمند تبلیغات و شناساندن آن به مردمی که در این بخش هم مزار بزرگان به کار می‌آید. چنانچه بزرگان عرصه خوشنویسی که دارای احترام و مقبولیت‌اند، مزار درخور و مناسبی داشته باشند، میتوان مراسم بزرگداشتشان را آنجا برگزار کرد و شاهد اتفاقات هنری در آن مراسم باشیم.

به این ترتیب یک بخش از ساخت مزار و سنگ قبر مناسب، احترام به این افراد و بخش دیگر شکر دادن به رویدادهای هنری در این مکان‌هاست که میتواند محل تولد بسیاری از هنرمندان باشد.

اما اینکه چرا انجمن خوشنویسان یا هر مرکز دیگری تاکنون در این راستا گامی برنداشته، اطلاعی ندارم و شاید باید کمیته‌ای با مشارکت میراث‌فرهنگی، سازمان فرهنگی هنری شهرداری،

موسیقی و هنرهایی از این دست گستره‌ای بین‌المللی برای مواجهه با مخاطبان دارند اما خوشنویسی اینطور نیست و دایره کوچکی را شامل می‌شود. به همین دلیل نیازمند تبلیغات و شناساندن آن به مردمی که در این بخش هم مزار بزرگان به کار می‌آید. چنانچه بزرگان عرصه خوشنویسی که دارای احترام و مقبولیت‌اند، مزار درخور و مناسبی داشته باشند، میتوان مراسم بزرگداشتشان را آنجا برگزار کرد و شاهد اتفاقات هنری در آن مراسم باشیم.

به این ترتیب یک بخش از ساخت مزار و سنگ قبر مناسب، احترام به این افراد و بخش دیگر شکر دادن به رویدادهای هنری در این مکان‌هاست که میتواند محل تولد بسیاری از هنرمندان باشد.

اما اینکه چرا انجمن خوشنویسان یا هر مرکز دیگری تاکنون در این راستا گامی برنداشته، اطلاعی ندارم و شاید باید کمیته‌ای با مشارکت میراث‌فرهنگی، سازمان فرهنگی هنری شهرداری،

موسیقی و هنرهایی از این دست گستره‌ای بین‌المللی برای مواجهه با مخاطبان دارند اما خوشنویسی اینطور نیست و دایره کوچکی را شامل می‌شود. به همین دلیل نیازمند تبلیغات و شناساندن آن به مردمی که در این بخش هم مزار بزرگان به کار می‌آید. چنانچه بزرگان عرصه خوشنویسی که دارای احترام و مقبولیت‌اند، مزار درخور و مناسبی داشته باشند، میتوان مراسم بزرگداشتشان را آنجا برگزار کرد و شاهد اتفاقات هنری در آن مراسم باشیم.

به این ترتیب یک بخش از ساخت مزار و سنگ قبر مناسب، احترام به این افراد و بخش دیگر شکر دادن به رویدادهای هنری در این مکان‌هاست که میتواند محل تولد بسیاری از هنرمندان باشد.

اما اینکه چرا انجمن خوشنویسان یا هر مرکز دیگری تاکنون در این راستا گامی برنداشته، اطلاعی ندارم و شاید باید کمیته‌ای با مشارکت میراث‌فرهنگی، سازمان فرهنگی هنری شهرداری،